

۲۹۴ - ای یاران الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۹۴ - ای یاران الهی

ای یاران الهی، هرچند شمس حقیقت در خلف سحاب جلال متواری گشت و سحاب نقاب شد و کیهان مانند شام غریبان گردید چشم گریان و دل سوزان و کبد بریان شد آتش حسرت شعله زد و چنان دل و جان را بسوخت که اکثر نفوس از حیات بیزار شدند و آرزوی گلزار آسمان نمودند ولی در این شب یلدا یاران بنار محبت الله چنان شعله زدند که حرارتش برودت هجران را زائل نمود و شعله اش ظلمت دهما را محو و فانی کرد. الحمد لله احبای الهی مانند شمع روشنند و بمثابه ستاره هادی انجمن، شعله شدید زدند و نأثره جدید بر افروختند و بخدمات آستان مقدس موفق گشتند. طوبی لهم بشری لهم فی المبدأ و المآل.

ای یاران الهی، به جان و دل آرزو کنید و تأیید از ربّ غفور نمائید که هر یک در افق هدی کوکبی لامع شوید و در جنت ابهی شجری مثمر گردید و در انجمن روحانیان شمعی روشن شوید و در محفل رحمانیان زینت جمع و انجمن. ای یاران عبدالبهاء، ایام سرآید و حیات نپاید و اگر انسان در اعلاء کلمة الله نکوشد عاقبت حسرت اندر حسرت است و هجران و حرمان. پس تا نفخه ای از حیات باقی باید ساقی شد و باده روحانی نوشاند به جان و دل کوشید که برگی برآید و ثمری بیار آید و شکوفه ای نموده و توشه ای گیرید و چنان با آتش عشق برافروزید که شعله اش بملاً اعلی رسد و اهل ملکوت ابهی را فرح و سرور دهد و جذب و طرب بخشد و به شوق و شعف آرد و علیکم التّحیّة و الثّناء.



ORIGINAL



AUDIO